

محمدحسن دامن‌زن: درباره مستند لالایی‌های زنان، سخن گفت

محمدحسن دامن‌زن کارگردان مستند «طرقه» درباره روند ساخت این مستند درباره لالایی‌های زنان، سخن گفت.

به گزارش سایت خبری پرسون، بیست و ششمین نشست ماهانه «مستندهای ایران‌شناسی» به نمایش و نقد و بررسی فیلم مستند «طرقه» ساخته محمدحسن دامن‌زن اختصاص داشت که در بیش از ۸۰ کشور دنیا به نمایش درآمده است.

محمدحسن دامن‌زن در مستند «طرقه» در همراهی با چهار زن نوازنده شمال خراسان زندگی، زمانه و احوالات آنها را روایت می‌کند.

با پایان اکران اثر، محمدحسن دامن‌زن کارگردان «طرقه»، حمید جعفری مستندساز و رییس هیات مدیره انجمن مستندسازان سینمای ایران، زهرا محمدحسینی فولکلوریست و علیرضا حسینی مردم‌شناس درباره وجوه مختلف اثر به بحث و تبادل نظر پرداختند.

زهرا محمدحسینی درباره تأثیری که تجربه تماشای «طرقه» بر او داشته است، عنوان کرد: با توجه به حوزه تخصصی‌ام که مطالعات زنان در فرهنگ و ادبیات عامه ایران است، باید بگویم صدای ساز زنان و شعر زنانه که کلا در ادبیات عامه ما دیده می‌شود برخلاف ادبیات و فرهنگ رسمی است. در ادبیات رسمی تا قبل از فروغ، دست کم صدای شعر زنانه نداریم. پروین اگر شعر می‌گوید، هیچ فرقی با شعر بهار ندارد. یعنی صدای شعر تا فروغ زنانه نیست ولی در ادبیات عامه ما و فرهنگ ما، از گهواره‌ها و آوازه‌ها، احساسات زنانه و طنین صدای آنها کاملاً لمس می‌شود. این مستند به خوبی به این موضوع قدرت زنان و صدای زنان پرداخته بود.

زهرا محمدحسینی درباره تأثیری که تجربه تماشای «طرقه» بر او داشته است، عنوان کرد: با توجه به حوزه تخصصی‌ام که مطالعات زنان در فرهنگ و ادبیات عامه ایران است، باید بگویم صدای ساز زنان و شعر زنانه که کلا در ادبیات عامه ما دیده می‌شود برخلاف ادبیات و فرهنگ رسمی است. در ادبیات رسمی تا قبل از فروغ، دست کم صدای شعر زنانه نداریم. پروین اگر شعر می‌گوید، هیچ فرقی با شعر بهار ندارد. یعنی صدای شعر تا فروغ زنانه نیست ولی در ادبیات عامه ما و فرهنگ ما، از گهواره‌ها و آوازه‌ها، احساسات زنانه و طنین صدای آنها کاملاً لمس می‌شود. این مستند به خوبی به این موضوع قدرت زنان و صدای زنان پرداخته بود.

محمدحسن دامن‌زن کارگردان اثر درباره اینکه جرقه ساخت اثر چگونه زده شد، گفت: زمانی در خارج از کشور بودم که نواری به من کادو دادند. نوار درباره موسیقی شمال خراسان بود و آخر این نوار، چند تا لالایی بود و برای اینکه این لالایی‌ها مجوز پخش بگیرند، روی این لالایی‌ها، یک صدای نخراشیده ای دکلیم می‌کرد. من این لالایی‌ها را گوش کردم و دیدم چه زیبا است.

محمدحسینی در بخش دیگر این باور را که شعرها و لالایی‌های زنان تماماً شکوه‌ها و گلایه‌های زنانه هستند غلط نامید و گفت: دیدگاه غالبی که درباره ادبیات عامه ما وجود دارد، این است که لالایی‌ها و شعرهای زنانه عمدتاً شکوه‌ها و گلایه‌های زنانه هستند. اگر کلیدواژه «لالایی» را در مقاله‌های حوزه فولکلور جستجو کنید، همه‌اش همین است که «لا لا لا، بابات رفته زن بگیرد» و این لالایی را که در مناطق مختلف به اقسام گوناگون تکرار شده است مورد استناد قرار داده‌اند و گفته‌اند لالایی‌ها عمدتاً شکایت زنانه و بیان سرخوردگی‌های زنانه است. چند سال پیش طی یک پژوهش، هزار لالایی را از شهرهای مختلف بررسی کردم و از این هزار لالایی، تنها سه درصد به شکوه از مرد مربوط می‌شد در صورتی که باقی لالایی‌ها، خیرخواهی برای مرد را می‌خواستند، دعا کردن برای مرد یا ناز و عتاب عاشقانه بود.